



دوماهنامه انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد
سال دوم ، شماره سوم
اردیبهشت ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْقَدِيرِ
لَيْسَ الْقَدْرُ خَيْرًا
تَزِيلُ الْعُسْرَ وَالرُّوحَ
فِيهَا بَرَزَ الْمَسْمُومُ
سَدِّ مَسْجِدِ الْمُحْرَبِ

آداب روزه داری در قرآن کریم (۴)

رمضان فرصت است... (۱۲)

نگاهی به واژه قدر (۱۴)

تصفید شیاطین (۲۰)



لامعا

نشریه ره نما (به مناسبت شب‌ها قدر)

شماره سوم؛ سال دوم

اردیبهشت ماه ۱۴۰۰؛ رمضان ۱۴۴۲

«کاری از انجمن علمی دانشجویی دانشکده علوم قرآنی مشهد»

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد

مدیر مسئول: محمد علی کیهانی

سر دبیر: سیده فرناز اتحاد

هیئت تحریریه:

محمد استیری

سیده فرناز اتحاد

محمد علی کیهانی

* با تشکر ویژه از: دکتر محسن رجبی قدسی؛ دکتر بی بی حکیمه حسینی

طراح گرافیک و صفحه آرا: محمد علی کیهانی



نیایش	۳
سخن سردبیر	۳
آداب روزه داری در قرآن و سیره نبوی	۴
رابطه شب قدر و ولایت	۹
رمضان یک فرصت است	۱۲
نگاهی به واژه قدر	۱۴
رمضان ماه تزکیه	۱۵
اکسیر محبت	۱۸
تصفیه شیاطین	۲۰
تو بمان!	۲۲
حقیقت ليله القدر	۲۳
حسن ختام	۲۴

راه های ارتباطی انجمن علمی دانشجویی دانشکده علوم قرآنی مشهد مقدس:

* آدرس کانال ایتا: @anjomanelmiquran110

* آدرس اینستاگرام: <https://www.instagram.com/anjoman.uniquran.mashhad>

* آدرس رایانامه: mashhadanjomanelmi@gmail.com

* آیدی مستقیم انجمن و نشریه ره نما: @quranm15

* آیدی دپارتمان فناوری: @IT.quran

* آیدی دپارتمان زبان انگلیسی و ترجمه: @translation_education

نیایش

سخن سردبیر

خداوندا ...

نخستین نعمت گرانها از
نعمتهای خویش را
که از من میگیری،
جانم قرار ده.

و نخستین ودیعه ای که از من باز
می ستانی،
نعمت جانم از میان همه نعمتها
گردان.

بارالها...

از این به تو پناه می بریم
که از گفتارت روی گردانیم

یا به کناره گیری از
آئینت فریفته شویم

و یا اینکه هوا و هوسهای
سرکش دل بر ما چیره
گردد.

بخشی از

خطبه ۲۱۵ نهج البلاغه



آداب دارد مهمانی پر عظمت خداوند و سعادت حضور در این دعوت را باید یافته باشی تا بر سر این سفره ی پر برکت خداوند با اشتیاق حاضر شوی از قبل انتظارش را باید کشیده باشی و چه انتظار شیرینی که منتظر باشی صاحب خانه تو را به ضیافتی بخواند که برای ذره ذره ی اعمال پاداش چیده؛ نفس که می کشی؛ کتابش را که می خوانی ولو یک خط؛ به شب های پر عظمتی در این مهمانی که وارد می شوی هر یک کار سنجیده و مورد پسند صاحبخانه هزار برابر ارزش می یابد و کجا چنین ضیافتی می یابی که حتی خواب هایت وزن پیدا کنند و عبادت باشند.

میزبان خداست؛ و چه مهربان میزبانی...

می توانی تمام روز و شب را با او به نجوا بنشینی و تمام درخواست و شکوه هایت را افتتاح کنی در دعاها... شکوه از فقدان نبی رحمت ﷺ، از بی نصیب بودن دیدار مولایمان حجة بن الحسن ﷺ، شکوه از کم بودن عدلمان و کثرت عدو اطرافمان... همراه فرازهای دعای ابوحمزه ثمالی یاد بگیری چطور با میزبان معاشرت کنی و خستگی ۱۱ ماه سال که شاید عقب ماندی و گاهی راه را گم کردی گوشه ای بنهی و چشم در چشم پروردگار منتظر عفو و بخشش باشی. سحرها را درک کنی... و چه سحری شود اگر مناجات مسجد کوفه از زبان امیرالمومنین ﷺ را توفیق یابی که زمزمه کنی...

در نیمه اش نور علی نور را درک کنی... مهمان خوان پر نعمت خداوند و مضاعف بر آن چشم امید به خوان کرم کریم اهل البیت... که هنوز شرح حاجت نگفته ای برآیت گره ها می گشاید...

و شب هایی برتر از هزاران شب

و چگونه می توان توصیف کرد آن سه شب ویژه ی این مهمانی سراسر نور و برکت را... با ادب و آرام وارد می شوی... قرآن کریم این معجزه ی عظیم پیامبر رحمت همین شب هاست که نازل شده است و چقدر باید سعادتمند باشی که در زمره ی مسلمانانی؛ در زمره ی دعوت شدگان به این ضیافت و درک این شب هایی؛ کنجکاو و مشتاق که با تمام ادب بندگی پی لیلۃ القدر بگردی... که کدامین این ها همان قدری است که باید قدرش بدانیم و جستجوی شیرینی است این جستجوی قدر در دل شب... ساعات قرق شده برای بنده و خدا... برای تمام این لحظات و آداب ناب سپاسگزار صاحب خانه ایم

و عظمت دیگر؛ در عظمت و شگفتی مرد این شب هاست... علی ﷺ... اولین مظلوم شهید در راه اسلام... که رستگاری را در یکی از همین ساعات ماه مبارک درک کردند و به رستگاری عظیم رسیدند... و چقدر از این ستون هدایت گفتن زبان قاصر است.

و جرج جرداق مسیحی حسین ﷺ را از طریق پدرش علی ﷺ می شناسد: «پی بردم که حسین ﷺ خط طبیعی پدرش علی ﷺ است و به این موضوع نیز در نوشته هایم اشاره کرده ام...». ما به عنوان شیعه ی این بزرگمرد تاریخ سعی بر این گماریم بیش از پیش او را درک کنیم، بشناسیم و به معنای واقعی شیعه شویم...

در سومین شماره از «نشریه دانشجویی ره نما» سعی بر این داشتیم بارقه ای از عظمت ماه مبارک رمضان را به نظاره بنشینیم؛ آداب روزه داری را دیگر بار مرور کنیم و از عظمت شب قدر و مظلومیت علی ﷺ سخن بگوییم. از تمام اساتید بزرگوار و همراهانی که در این شماره همراه ما بودند سپاسگزاریم.

سیده فرزانه اشجاذ

آداب روزهداری در قرآن کریم و سیره نبوی

دکتر محسن رجبی قدسی

سوره بقره با ۲۸۶ آیه به ۶۰ واحد موضوعی (رکوع) تقسیم شده است که رکوع ۲۳ آن از آیه ۱۸۳ تا ۱۸۸ به تشریح روزه و اهداف آن پرداخته است:

يا ايها الذين امنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون (۱۸۳) اياما معدودات فمن كان منكم مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر و على الذين يطيقونه فدية طعام مسكين فمن تطوع خيرا فهو خير له و ان تصوموا خير لكم ان كنتم تعلمون (۱۸۴) شهر رمضان الذي انزل فيه القران هدى للناس و بينات من الهدى و الفرقان فمن شهد منكم الشهر فليصمه و من كان مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر يريد الله بكم اليسر و لا يريد بكم العسر و لتكملوا العدة و لتكبروا الله على ما هداكم و لعلكم تشكرون (۱۸۵) و اذا سالك عبادي عنى فانى قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجبوا لى و ليؤمنوا بى لعلهم يرشدون (۱۸۶) احل لكم ليلة الصيام الرفث الى نساءكم هن لباس لكم و انتم لباس لهن علم الله انكم كنتم تختانون انفسكم فتاب عليكم و عفا عنكم فالان باشروهن و ابتغوا ما كتب الله لكم و كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الابيض من الخيط الاسود من الفجر ثم اتموا الصيام الى الليل و لا تباشروهن و انتم عاكفون فى المساجد تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس لعلهم يتقون (۱۸۷) و لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها الى الحكام لتاكلوا فريقا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون (۱۸۸)

برای رسیدن به مهم‌ترین هدف روزه که تمرین بندگی خداوند بزرگ است، آدابی در قرآن کریم، سیره نبوی و ائمه طاهرين به شرح زیر مطرح شده‌اند:



۱. استقبال از ماه رمضان با دعا و استغفار و تلاوت قرآن و ترک گناه و وانهادن اموری که مهم نیستند
 خطبه شعبانیه پیامبر اکرم و توصیه امام رضا علیه السلام به اباصلت هر وی در آخرین جمعه ماه شعبان دو نمونه از اهمیت
 توجه به استقبال از ماه مبارک رمضان در سیره بزرگان دین است. امام رضا علیه السلام خطاب به اباصلت فرمودند: «وَعَلَيْكَ
 بِالْإِقْبَالِ عَلَى مَا يَعْنِيكَ وَتَرْكِ مَا لَا يَعْنِيكَ وَ أَكْثَرَ مِنَ الدُّعَاءِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ تَبِّ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكَ لِيُقْبَلَ
 شَهْرُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَدْعَنَّ أَمَانَةً فِي غُنُوقِكَ إِلَّا أَدَيْتَهَا وَ لَا فِي قَلْبِكَ حِقْدًا عَلَى مُؤْمِنٍ إِلَّا
 نَزَعْتَهُ وَ لَا ذَنْبًا أَنْتَ مُرْتَكِبُهُ إِلَّا قَلَعْتَ عَنْهُ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ»؛ به اموری که برای [سعادت و کمال] تو مهم
 هستند توجه و عنایت داشته باش و آنچه را که با [رشد و سلامت] تو ارتباطی ندارند و مهم نیستند، واگذار؛ فراوان
 دعا و استغفار کن و قرآن را بسیار تلاوت کن؛ برای مغفرت ذنوبت به خدا روی آور تا وقتی ماه خدا فرا می رسد بنده
 مخلص و پاک خدا باشی؛ هر حق و امانتی که بر گردن توست، ادا کن؛ و کینه هر مؤمنی را که در دل داری از قلبت
 بیرون نما؛ و گناهی را که مرتکب می شده ای، برای همیشه آن را از خودت محو کن؛ و خدا را به یاد داشته باش و بر او
 توکل کن.

اگر به پیشواز ماه مبارک رمضان نرویم و آمادگی های لازم را برای ورود به این ماه نداشته باشیم، به جای آنکه به
 مهمانی خدا برویم، ماه رمضان مانند مهمان ناخوانده ای بر ما تحمیل خواهد شد و در بهترین وضعیت، انسان مسلمان
 با این ماه فقط مدارا می کند و به روزه گرفتن اکتفا می کند تا هر چه سریع تر ماه به انتها برسد و به جای روزه داری و
 تمرین بندگی خدا، منتظر هرچه زودتر به پایان رسیدن ماه رمضان است؛ این وضعیت خسارت و خسران بسیار بزرگی
 برای مسلمانان و جامعه اسلامی به بار می آورد. زیرا همان طور که ثواب و برکت هر رفتار و گفتار و نیت خوب در
 ماه رمضان دست کم هفتاد برابر است^۱، هر نوع کاستی و کم گذاشتن، و هر گونه غفلت و بی توجهی، و رفتار و گفتار
 نادرست در ماه رمضان خسارت بسیار مضاعفی در پی دارد.

۲. سحری خوردن

بهتر است سحری را قبل از خواب انتخاب و جدا کنیم و در وقت سحر آن را تناول کنیم تا از برکت و فضل آن
 بهره مند شویم و عملاً نیت روزه را از قبل انجام داده باشیم. سحری می تواند میوه، شربت، خرما، حلوا و مانند آن باشد؛
 رسول خدا می فرماید: «السحورُ بركة؛ لا تدعُ امتي السحور و لو علی حشفة»^۲؛ امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند: «فی
 شهر رمضان فإنّ الفضل فی السحور و لو بشرية من ماء». پس از خوردن سحری اگر اشتها داشتیم و تا اذان صبح
 زمان مناسبی در اختیار بود، می توان همان چیزی را که در وقت صبحانه هر روز تناول می کردیم، نیز بخوریم. امام
 رضا علیه السلام می فرماید: «عَوَّدَ بَدَنَكَ مَا تَعَوَّدَ [اعتاد]»؛ بدنت را به آنچه عادت دارد، عادت بده.

۳. تعجیل نکردن در افطار

«و کُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى الْيَلِّ ... تِلْكَ حُدُودُ
 اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا ...» (بقره، ۱۸۷). «فلا تقرّبوها» بیان گر آن است که قبل از طلوع فجر صادق در سحر از خوردن و
 آشامیدن دست بکشیم و با اینکه بلافاصله با آغاز اذان مغرب جواز افطار را داریم، ولی بهتر است برای خوردن یا
 آشامیدن عجله نکنیم و اذکار اذان را همراه با مؤذن آهسته یا در دلمان تکرار کنیم و آن لحظات را غنیمت شمرده به
 دعا و نیایش با خدا پردازیم (فانی قریبُ اجیبُ دَعْوَةِ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ) و به این ترتیب بنا به فرموده امام صادق علیه السلام، ادب
 بندگی و وقار و متانت خودمان را در مهمانی خدا حفظ کنیم: «عليكم السكينة و الوقار و الخشوع و الخضوع»^۳. امام
 باقر علیه السلام به زراره فرمودند: «اجل لك الإفطار إذا بدت ثلاثة أنجم»؛ با آشکار شدن سه ستاره در آسمان افطار برای تو
 حلال است. زیرا ابتدای اذان مغرب هنوز شب محقق نشده و معمولاً فقط ستاره زهره نمایان است (دقت کنیم که قرآن
 می فرماید: «اتموا الصيام الى الیل»).

پس از خوردن افطاری ساده که نباید به تأخیر هم بیفتد بهتر است با مقداری فاصله، شامی را که معمولاً در بقیه ایام
 سال می خوردیم تناول کنیم.

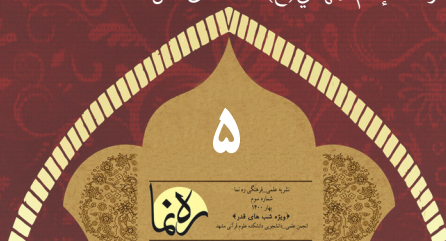
۱. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا، محقق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۵۱.

۲. پیامبر اکرم: «مَنْ أَدَّى فِيهِ فَرَضًا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مَن أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ» (عیون اخبار الرضا، ۲۹۶/۱).

۳. کلینی، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۹۵. حشفة: خرما یا نامرغوب

۴. الفقه المتسبب إلى الإمام الرضا (ع)، مشهد: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۴۰.

۵. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، النوادر، قم: مدرسة الإمام المهدي (ع)، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۲.



۴. نخوابیدن در ما بین الطلوعین

پیامبر اکرم و ائمه هدی از خوابیدن در فاصله میان طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید به شدت منع و نهی کرده‌اند. زیرا به سلامت جسم و شادابی و نشاط روح و روان انسان آسیب می‌زند و موجب کسالت و تنبلی در طول روز خواهد شد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نَوْمُ الْغَدَاةِ مَشْوُومَةٌ تَطْرُدُ الرِّزْقَ وَ تَصْفِرُ اللَّوْنُ وَ تُقَبِّحُهُ وَ تُعَيِّرُهُ وَ هُوَ نَوْمٌ كُلُّ مَشْوُومٍ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُقَسِّمُ الْأَرْزَاقَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَيَأْكُمُ وَ تِلْكَ النَّوْمَةُ»؛ خواب صبحگاه شوم است، روزی را دفع می‌کند، رنگ را زرد و زشت و دگرگون می‌کند و خواب انسان‌های شوم است. خداوند روزی‌ها را میان طلوع فجر تا طلوع خورشید تقسیم می‌کند، پس از خوابیدن در این زمان پرهیز کنید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: «أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ وَ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ عَوَّذُوا صِبَاغَكُمْ فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ»؛ در فاصله این دو زمان خدا را بسیار یاد کنید و از شر ابلیس و لشکریانش به خدا پناه ببرید. کودکانتان را [با ذکر خدا، دعا و تلاوت قرآن یا کمک به بیداری داوطلبانه آنها] در پناه خداوند قرار دهید که [اگر این گونه نباشد] آن لحظات همگی به غفلت خواهد گذشت [و آنان را از سعادت و سلامت و کمالشان غافل می‌کند]. بنابراین یک ماه تمرین نخوابیدن در ما بین الطلوعین، سبب می‌شود در طول یازده ماه دیگر سال نیز همواره سحرخیز باشیم و دست‌کم از دقایقی قبل از طلوع فجر صادق بیدار باشیم.

آموزه‌های فوق بر گرفته از قرآن کریم و عمل به فرمان خداست:

– «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ» (قاف، ۳۹)؛

– «وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخَيْفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْإِصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» (اعراف، ۲۰۵)؛

– «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ . كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ . وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ . وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات، ۱۵-۱۹)؛

– «لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ ... الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالمُنْفِقِينَ وَالمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران، ۱۶-۱۷)؛

– «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ . تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ . فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده، ۱۵-۱۷).

۵. پرهیز از پرخوری

یکی از عوامل اصلی کسالت و بدحالی روزهداران در ماه رمضان پرخوری و بدخوری در وقت افطار و سحر است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «لَيْسَ شَيْءٌ أَنْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَطْنِ مَلَأْنُ»؛ هیچ چیز نزد خدا منفورتر از معده پر نیست. برخی گمان می‌کنند چون وعده نهار و عصرانه در طول ۳۰ روز ماه مبارک رمضان حذف شده است باید حتماً آن دو را در وقت سحر جبران کنند. از همین رو با اینکه بدن آنان میل و کششی واقعی به غذا ندارد، با اشتهاهی کاذب - که نتیجه القائات شیطانی یا دلسوزی‌های نادرست پدران یا مادران ناآگاه است - معده خود را از انواع خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های جور واجور و مختلف پر می‌کنند، برخی نیز می‌پندارند در وقت سحر باید حتماً غذایی را که به طور معمول در وعده نهار می‌خورند بخورند؛ از این رو به اشتباه در سحر غذاهایی سنگین و دیرهضم آماده می‌کنند و به این ترتیب لذت تلاوت قرآن و مناجات با خدا و نماز و نیایش را از دست می‌دهند و در طول روز کسالت و بداخلاق و دمی و بی‌رمق هستند و همه این وضعیت نابسامان خود را به گردن خدا و روزه می‌اندازند و عملاً به خداوند افترا و دروغ می‌بندند. این دسته از مسلمانان هنوز بزرگی و علم و حکمت همه‌جانبه خداوند را باور ندارند و نمی‌دانند که خداوند روزه را با علم و آگاهی کامل به وضعیت انسان تشریح کرده است. به همین دلیل در سیاق آیه روزه آمده است: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ... يَرِيذُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يَرِيذُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِيَتَكْمَلُوا الْعِدَّةَ وَ لِيَتَكَبَّرُوا اللَّهُ عَلٰى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره، ۱۸۵). با توجه به اینکه سیاق آیه روزه با «یا ایها الذین آمنوا» آغاز می‌شود، این واحد موضوعی (سوره‌گونه روزه از آیه ۱۸۳ تا ۱۸۸ سوره بقره) با سوره‌های ممتحنه، حجرات و مائده که با «یا ایها الذین آمنوا» می‌آغازند هم‌گروه است؛ بنابراین می‌توان گستره تبیین هدف از روزه را در این سه سوره و آیاتی که در آن ریشه «صوم» به کار رفته است را پی‌گرفت. خوشبختانه در احادیث پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام عملاً این روش مهم در شناخت و تفسیر آیات روزه تبیین شده است.

۱. من لا یحضره الفقیه، ۵۰۲/۱.

۲. از این رو، تأخیر دو ساعته آغاز کار ادارات و سازمان‌های دولتی در ماه رمضان بخش معتناهی از مردم را به خواب بین الطلوعین ترغیب می‌کند؟! و چه خوب است به‌جای تأخیر، فعالیت آنها یک یا دو ساعت زودتر شروع شود تا عملاً فرهنگ سحرخیزی و نخوابیدن ما بین الطلوعین در جامعه نهادینه گردد.

۳. عیون اخبار الرضا، ۳۶/۲.



جالب آنکه در صدر اسلام دو وعده غذایی صبحانه و شام رایج بوده است و رزق بهشتیان نیز در دو وعده به آنان داده می‌شود: «و لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (مریم، ۶۲). علامه شهید استاد مرتضی مطهری بر این باورند: «برنامه مسلمانی این نیست که الان در میان ما معمول است، چه از نظر غذایی و چه از نظر خواب و بیداری. از نظر غذایی من نمی‌دانم از چه زمانی این سه وعده غذا خوردن پیدا شده است! انسان وقتی مثلاً ساعت ۸ صبحانه بخورد قهراً ناهار خوردنش می‌افتد به ساعت ۲ بعد از ظهر، و وقتی ساعت ۲ بعد از ظهر یک ناهار سنگین خورده باشد نمی‌تواند ساعت ۸ شب شام بخورد، بلکه شام خوردنش می‌افتد به ساعت ۱۰. از نظر اسلامی انسان دو وعده غذا می‌خورد و در صدر اسلام هم این طور بوده، یکی غدا و دیگر عشی. یک غذای حسابی صبح می‌خوردند (صبحانه) و یکی هم شب؛ سه وعده در کار نبوده».^۱

۶. پرهیز از خواب زیاد و کسالت و تنبلی

بسیاری می‌پندارند که چون پیامبر اکرم، خواب روزه‌دار را عبادت دانسته‌اند پس هر چه بیشتر در ماه مبارک رمضان بخوابند بیشتر عبادت کرده‌اند!! غافل از آنکه در سخن پیامبر: «تَوَمَّكُم فِيهِ عِبَادَةٌ»^۲ هیچ اشاره و دستوری به بسیار خوابیدن آنهم در طول روز ندارد، بلکه سخن آن حضرت ناظر به ارزش لحظات ماه مبارک رمضان است که حتی مقدار خواب لازم برای بدن، در ماه مبارک رمضان عبادت به شمار می‌آید. رسول خدا و ائمه طاهرين از خوابیدن بیش از حد لازم نهی کرده‌اند؛ زیرا بنا به فرموده امام صادق (ع) خواب زیاد باعث از دست رفتن دین و دنیا است: «كَثْرَةُ النَّوْمِ مَذْهَبَةٌ لِلدُّنْيَا وَاللِّدْنِيَا»^۳؛ و خداوند بزرگ، زیاد خوابیدن و فراغت و بیکاری طولانی را دشمن می‌دارد: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُغْضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَ كَثْرَةَ الْفَرَاغِ». البته طبیعی است که در طول روز، انسان دچار ضعف بدنی خواهد شد؛ از این رو توصیه شده است با اندکی دراز کشیدن و خوابی اندک، قوت و نیروی تازه به دست آورید: «قِيلُوا فَإِنَّ اللَّهَ يُطْعِمُ الصَّائِمَ فِي مَنَامِهِ وَ يُسْقِيهِ»^۴؛ خدا به روزه‌دار در هنگام خوابش غذا و آب می‌خورد.

امام سجّاد (ع) در دعای آغاز ماه مبارک رمضان از خداوند می‌خواهند که کسالت و تنبلی و سستی را از ایشان دور گرداند و کوشش و جدیت، و نیرو و نشاط را به ایشان ارزانی دارد: «اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ ... الْكَسَلَ وَ السَّامَةَ وَ الْفَتْرَةَ ... اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَ الاجْتِهَادَ وَ الْقُوَّةَ وَ النَّشَاطَ».^۵

۷. حفظ زبان و چشم و دیگر اعضا از گناه و معصیت

روزه‌داری فقط با نخوردن و نیاشامیدن محقق نمی‌شود، بلکه با تمرین بندگی خدا و درک ولایت خدا و خداواری در همه لحظات زندگی (فانی قریب)، تلاوت قرآن و پیروی از هدایت بینه آن (انزل فيه القرآن هُدًى للناس)، اسوه قرار دادن پیامبر اکرم (سألك عبادي)، دوری گزیدن از ولایت غیر خدا (وَتَدَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَامِ) و ترک همه محرّمات و آنچه خداوند آن را ناپسند می‌دارد و به ضرر فرد و جامعه است حاصل می‌شود. روزه تمام و کامل سبب می‌شود انسان شخصیتی سالم، شکرگذار و آگاه داشته باشد و بتواند به انجام اعمال صالح دست یابد و رشد کند: «کتب علیکم الصیام: ... لعلکم تتقون ... لعلکم تشکرون ... لعلهم یرشدون ... لعلهم یتقون ... و انتم تعلمون» (بقره، ۱۸۳-۱۸۸).^۶

۱. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۳، ص ۷۲.

۲. عیون اخبار الرضا، ۲۹۵/۱.

۳. کافی، ۸۴/۵.

۴. کافی، ۶۵/۴.

۵. کافی، ۷۵/۴-۷۶.

۶. امام سجّاد (ع): «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ تَمَامَ صِيَامِهِ» (کافی، ۷۶/۴).



عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إِنَّ الصَّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحَدِيثُ [إِنَّمَا لِلصَّوْمِ شَرْطٌ يُخْتِاجُ أَنْ يُحْفَظَ حَتَّى يَتِمَّ الصَّوْمُ وَهُوَ صَمْتُ الدِّاخِلِ] مَا تَسْمَعُ قَوْلَ [مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا»] [مريم، ۲۶] أَيْ صَمْتًا فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنِ الكَذِبِ وَغَضُوا أَبْصَارَكُمْ وَ لَا تَنَازَعُوا وَ لَا تَخَاسَدُوا وَ لَا تَغْتَابُوا وَ لَا تَمَارُوا وَ لَا تَكْذِبُوا وَ لَا تَبَاشِرُوا وَ لَا تَخَالَفُوا وَ لَا تَبَاضِبُوا وَ لَا تَسَابُوا وَ لَا تَسَاتَمُوا وَ لَا تَفَاتَرُوا [تَنَابَزُوا] وَ لَا تَجَادَلُوا وَ لَا تَتَادُوا وَ لَا تَطْلُمُوا وَ لَا تَسَافَهُوا وَ لَا تَضَاجِرُوا وَ لَا تَغْفَلُوا عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ وَ الزَّمَا الصَّمْتِ وَ السُّكُوتِ وَ الْجِلْمِ وَ الصَّبْرِ وَ الصِّدْقِ وَ مُجَابَنَةِ أَهْلِ الشَّرِّ وَ اجْتِنَابِ قَوْلِ الزُّورِ وَ الكَذِبِ وَ الْفِرْيِ وَ الْحُصْمَةِ وَ ظَنِّ السُّوءِ وَ الْغَيْبَةِ وَ التَّمِيمَةِ وَ كَوْنُوا مُشِيرِينَ عَلَى الْآخِرَةِ مُتَظَرِّينَ لَا يَأْمِكُمْ مُتَظَرِّينَ لِمَا وَعَدَكُمُ اللَّهُ مُتَزَوِّدِينَ لِلقاءِ اللَّهِ وَ عَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ وَ الْخُشُوعُ وَ الْخُضُوعُ ... قَدْ طَهَّرْتُمْ الْقُلُوبَ مِنَ الْعُيُوبِ وَ تَقَدَّسَتْ سَرَائِرُكُمْ مِنَ الْحَبَثِ وَ نَظَّفَتْ إِبْجِسْمَ مِنَ الْقَاذُورَاتِ وَ تَبَرَّاتِ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَ وَالَيْتُ اللَّهَ فِي صَوْمِكِ بِالصَّمْتِ مِنْ جَمِيعِ الْجِهَاتِ مِمَّا قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي السَّرِّ وَ الْعِلَانِيَةِ وَ خَشِيتُ اللَّهَ حَقَّ خَشِيَّتِهِ فِي سِرِّكَ وَ عَلَانِيَتِكَ وَ وَهَبْتُ نَفْسِيكَ لِلَّهِ فِي أَيَّامِ صَوْمِكِ وَ فَرَّغْتَ قَلْبَكَ لَهُ وَ وَهَبْتَ نَفْسَكَ لَهُ فِيْمَا أَمَرَكَ وَ دَعَاكَ إِلَيْهِ. إِنَّ أَبِي ع قَالَ: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ امْرَأَةً تَسَابُ جَارِيَةَ لَهَا وَ هِيَ صَائِمَةٌ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ بِطَعَامٍ فَقَالَ لَهَا: كَلِي فَقَالَتْ: أَنَا صَائِمَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ: كَيْفَ تَكُونِينَ صَائِمَةً وَ قَدْ سَبَّتِ جَارِيَتِكَ؟! إِنَّ الصَّوْمَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَ إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ جِجَابًا عَنْ سِوَاهُمَا مِنَ الْفَوَاحِشِ مِنَ الْفِعْلِ وَ الْقَوْلِ يُفْطِرُ الصَّائِمَ مَا أَقْلُ الصَّوْمِ وَ أَكْثَرُ الْجُوعِ»^۳.
هنگامی که روزه می گیرید:

- زبان خود را از همه پلیدی‌ها از جمله دروغ نگهدارید؛ [همچنین از بازگو کردن هر چه می شنوید و می بینید]^۳
- دیدگانتان را از دیدن آنچه نارواست، حفظ کنید و به نامحرمان خیره نگاه نکنید؛
- با یکدیگر نزاع نکنید؛
- نسبت به هم حسادت نوزید؛
- غیبت یکدیگر را نکنید؛
- بر یکدیگر خشم نگیرید؛
- سوگند دروغ نخورید؛
- از اختلاف با یکدیگر بپرهیزید؛
- یکدیگر را خشمگین نکنید و متنفر نباشید؛
- دشنام و ناسزا نگویند؛
- القاب‌تان شما را از یکدیگر دور نکنند و موجب فاصله میان شما نشود؛
- با هم مجادله نکنید؛
- بر یکدیگر ستم نوزید؛
- بی‌خردی نکنید؛
- از هم دلگیر نشوید؛
- به یکدیگر بدگمان مباشید؛
- از اشرار و دشمنان خدا تبری بجویند؛
- از یاد خدا و نماز غفلت نشوید.
- زیانتان را به راستی و سکوت بیارید.
- ظاهرتان را پاکیزه نگه دارید؛
- قلب‌تان را از همه پلیدی‌ها تطهیر کنید؛
- به اخلاق نیک و زیبا، صبر و بردباری، آرامش و وقار، و خضوع و خشوع در مقابل خداوند آراسته باشید.
- زاد و توشه لازم را برای لقاء الله آماده کنید.

امام صادق عليه السلام در پایان می‌فرماید: «فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَأَنْتَ صَائِمٌ لِلَّهِ بِحَقِيقَةِ صَوْمِهِ»؛ هرگاه همه این موارد را انجام دادی پس به حقیقت برای خدا روزه‌دار بوده و هستی و خواهی بود و روزه‌داری تو را از غیر خداوند (شرک)، مبرا می‌کند و به سبب حفظ زبان (از دروغ و غیبت و فتنه‌انگیزی و...) به خدا نزدیک می‌کند [و تحت ولایت خدا قرار می‌دهد] و در نهان و آشکار تو را به خوف و خشیت پروردگار مفتخر می‌کند؛ و نفست را به خدا می‌بخشد؛ و قلبت را از هر چه غیر اوست فارغ می‌کند و نفست را برای آنچه خدا به تو امر کرده و به سوی آن فراخوانده مهیا می‌کند.

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۱۶۶.
۲. النوادر، ۲۱-۲۲.

۳. امام صادق (ع): «كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ» (شیخ صدوق، معانی الاخبار، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۰۹)؛ برای دروغ بودن یک فرد همین کافی است که هر چه شنید، نقل کند.

۴. رسول خدا: «مَنْ تَأَمَّلَ خَلْفَ امْرَأَةٍ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُ حَجْمُ عِظَامِهَا مِنْ وَرَاءِ ثِيَابِهَا وَ هُوَ صَائِمٌ فَقَدْ أَفْطَرَهُ» (معانی الاخبار، ۴۱۰)؛ کسی که از پشت به قامت زنی با دقت نگاه کند تا حجم بدن وی را از پشت لباسش ببیند، در حالی که روزه است، مسلماً روزه‌اش را باطل کرده است.



رابطه شب قدر و ولایت

محمد استیری

یکی از مسائل پر رمز و راز در مجموعه علوم و معارف الهی، مسئله «شب قدر» است. نخست گفتنی است، شب قدر، ظرف نزول قرآن است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ». اما این چه نوع ظرفی است؟ بین عموم مردم مشهور است که «شب قدر» ظرف زمان است. طبق این بیان، شب قدر، به معنای پاره‌ای از زمان (شب) است که در آن، قرآن از عالم بالا به دنیا نازل گشته است و به دلیل اهمیت این نزول و مسائل جنبی و یا عوامل زمینه‌ساز آن که از درک ما انسان‌ها فراتر است خدایوند می‌فرماید: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»؛ «چه چیزی تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟» و «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»؛ «شب قدر، از هزار ماه بهتر است». عبادتی که در این شب انجام می‌شود، بهتر از هر عبادتی است که انسان آنها را در طول هزار ماه انجام می‌دهد و نیز: «تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»؛ «در این شب فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان فرود می‌آیند و با خود مقدرات همه امور را فرود می‌آورند» و «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ»؛ «این شب [یکسره] تا طلوع فجر سلام و سلامتی است». اما اگر «ظرفیت» مطرح در آیه را منحصر در ظرف زمان نکنیم و بگوییم ظرف زمان، پایین‌ترین مرحله از مراحل ظرفیت است؛ آن گاه به این می‌رسیم که شب قدر، حقیقتی است که قرآن در آن نازل شده و با توجه به لیاقت و قابلیتش، حقیقت قرآن را از عالم بالا دریافت کرده و آن را در وجود خود، جای داده است و بدین ترتیب وجودش، ظرف قرآن شده است. البته مراد از ظرف و محل و امثال این تعبیر، مکان مادی نیست و نمی‌تواند باشد؛ زیرا حقیقت قرآن از سنخ امور مادی نیست تا ظرف و مکانی شبیه به ظروف و مکان‌های مادی داشته باشد؛ بلکه محل نزول قرآن و ظرف آن، باید از سنخ «معنی» و امور معنوی باشد تا بتوان، ظرفیت آن را نسبت به یک حقیقت معنوی پذیرفت و از آن توجیه معقولی ارائه کرد. در اینجا سه نکته باید روشن شود:

یکم. بدانیم که ظرف و مظلوف مادی، هیچ گاه با هم متحد نمی‌شوند. برای مثال آب که مظلوف و کوزه ظرف است، تا ابد اگر این نسبت را حفظ کنند، نه کوزه آب می‌شود و نه آب کوزه و همین‌طور است در دیگر موارد از انواع ظرف‌ها و مظلوف‌های مادی. اما در امور معنوی این گونه نیست؛ ظرف معنوی حقیقتی است که پذیرای امور معنوی و دریافت کننده حقایق ملکوتی است. این حقیقت، با آنچه می‌پذیرد و قبول می‌کند، وحدت یافته و یکی می‌شود. بنابراین حقیقتی که محل نزول قرآن است و حقایق آن را قبول کرده و ظرف قرآن شده است، با آن یکی می‌شود و قرآن ناطق می‌گردد.

دوم. بدانیم حقیقتی که بر اثر قبول قرآن، عین آن می‌شود، کسی جز انسان کامل - که مظهر جمیع اسمای حسنای حق و آینه تمام‌نمای خداوند است نیست.

در رأس همه افرادی که مصداق عنوان یاد شده هستند، وجود نازنین حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و پس از ایشان شایسته‌ترین و نزدیک‌ترین افراد به مقام ایشان، امام علی علیه السلام است و همین‌طور پس از ایشان فرزندان حسن بن علی علیه السلام تا برسیم به زمان ما.



لیلة القدری که در این زمان، ظرف قرآن است و حقایق آن در او جاری می‌شود، حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام است. ما از این بزرگان و امامان بر حق، به قرآن ناطق تعبیر می‌کنیم؛ همان طور که مالک اشتر وقتی که دید مردم نادان، فریب عمرو عاص و معاویه را خورده و به کاغذ پاره‌های سر نیزه چشم دوخته‌اند؛ فرمود: شما قرآن ناطق (علی) را رها کرده و به این کاغذها چشم دوخته و دل خوش کرده‌اید! مراعات این کاغذها را می‌کنید؛ ولی اصل قرآن و حقیقت آن را - که در علی علیه السلام تجسم یافته - رها کرده و حرمت نمی‌نهدید!

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «امام علی علیه السلام در حضور امام حسن و امام حسین علیهما السلام، سوره قدر را تلاوت کرد. حضرت حسین علیه السلام خطاب به پدر گفت: ای پدر! این سوره را با حلاوت مخصوصی تلاوت می‌فرماید. حضرت فرمود: فرزندم! زمانی که سوره قدر نازل شد، جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را پی من فرستاد؛ سپس این سوره را برای من تلاوت کرد و با دست بر کتف راست من زد و فرمود: ای برادر و وصی من! ای کسی که پس از من ولی این امتی! این سوره پس از من، از آن تو و پس از تو، از آن دو فرزندان حسن و حسین است. از برای آن نوری است که در قلب تو و اوصیای تو تا مطلع فجر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ساطع است»^۱.

براساس روایتی خداوند به رسولش صلی الله علیه و آله فرمود: «سوره قدر را تلاوت کن که این سوره نسبت (شناسنامه) تو و نسبت اهل بیت تو تا روز قیامت است»^۲. اگر کسی بگوید: چرا امام صادق علیه السلام شب قدر را بر جداهش فاطمه علیها السلام اطلاق کرده؛ در حالی که طبق بیان مزبور شب قدر بودن، به ایشان اختصاص ندارد؛ بلکه هر انسان کاملی می‌تواند مصداق آن باشد؟

در جواب گوییم: اولاً از دیدگاه منطقی، اثبات چیزی نفی غیر آن را نمی‌کند؛ یعنی، اگر بگوییم «شب قدر، فاطمه است»، منافاتی با لیلة القدر بودن دیگر مصداق ندارد. ثانیاً در میان افرادی که مصداق شب قدرند، برای فاطمه علیها السلام امتیازی است که برای هیچ کس آن ویژگی وجود ندارد و آن عبارت از این است که آن حضرت، علاوه بر آنکه خود مصداق لیلة القدر است، پدر، همسر و یازده فرزندش همه مصداق شب قدرند. از این رو حضرت فاطمه علیها السلام همانند شمع جمعی است که دیگران، دور او را گرفته‌اند و جا دارد که از ایشان به صورت برجسته و عنوان «شب قدر» یاد شود.

سوم. بدانیم چرا از انسان کامل به شب قدر تعبیر شده است؟ لفظ «لیلة» به معنای شب است و خصوصیت شب خفا و ناپیدایی آن است. شب فانی و منفعل محض است و از خود چیزی ندارد. قدر هم به معنای عظمت، قدرت و فضیلت است و انسان کامل از آن رو که فانی در خداوند است، فانی در حقیقتی است که عین عظمت و قدرت و فضیلت است. از آن جهت که خود است، هیچ است و از آن جهت که نمود آن حقیقت است، همه چیز است؛ پس از او به شب قدر تعبیر شده است. انسان کامل آینه تمام نمای جمال خداوند، خلیفه و وجه‌الله است. مظهر «بِکُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۳

۱. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۸۷.

۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۱۶.

۳. بقره (۲)، آیه ۲۹



و «عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» است. مصداق «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» است. انسان کامل حقیقتی است که بیعت با او بیعت با خدا است: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ». همچنین دوستی یا دشمنی با او، دوستی یا دشمنی با خداوند است: «وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ». از این حقیقت بزرگ، به شب قدر یاد می‌شود: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: انا انزلنا فی لیلة القدر؛ «اللیلة»، فاطمة و «القدر»، الله فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد ادرك لیلة القدر»^۱؛ «امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لیلة، فاطمه و قدر، الله است. هر کس به درستی فاطمه را شناخت، شب قدر را درک کرده است».

البته شب قدر را خدای او و خود «لیلة القدر» می‌شناسد و بس؛ اما دیگران به مقدار استعداد و لیاقتشان می‌توانند با برخی از اوصاف و خصوصیات شب قدر آن هم با هدایت و ارشاد خود او آشنا شوند. در برخی از روایات آمده است: رسول خدا ﷺ خطاب به امام علی ع می‌فرماید: «کسی خدا را شناخت، جز من و تو و کسی مرا شناخت، جز خدا و تو و تو را نیز کسی شناخت، جز خدا و من». بنابراین شناخت شب قدر - که همان انسان کامل است - با شناخت خداوند رابطه تنگاتنگی دارد و همان طور که نمی‌توان به حقیقت خداوند و کنه ذات او پی برد، نمی‌توان به حقیقت شب قدر و کنه ذات او دست یافت.

می‌توان شب قدر را به دو نوع حقیقی و زمانی تقسیم کرد و گفت: لیلة القدر حقیقی، وجود طیبه انسان کامل است که دعا و ظرف قرآن؛ بلکه قرآن ناطق است. از این رو در هر زمان برای آن، بیش از یک مصداق قابل تصور نیست. به عبارت دیگر امام زمان هر عصری، مصداق شب قدر آن دوران است و نظیر ندارد و دومی برایش متصور نیست. امام رضا ع می‌فرماید: «الامام واحد دهره و لا یدانیه احد و لا یعادلہ عالم و لا یوجد منه بدلا و لا له مثل و لا نظیر»^۲؛ «امام یگانه دهر خویش است و کسی نمی‌تواند تا با او انباز گردد. امام کسی است که هیچ دانشمندی به پایه او نمی‌رسد و احدی نمی‌تواند جایگزین وی شود. امام کسی است که مثل و نظیری برایش متصور نیست». این همان شب قدر حقیقی است.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، روشن می‌شود که لیلة القدر سه گونه است:

۱. شب قدر حقیقی که تعدد بردار نیست و در هر عصر و زمانی فقط یک مصداق دارد.
 ۲. شب قدر زمانی واقعی که آن هم در هر سال یک زمان خاص است و قابل تعدد و توسعه نیست.
 ۳. شب قدر زمانی اعتباری که با توجه به اختلاف آفاق، قابل توسعه و حتی تعدد است. باید دانست که درک شب قدر در هر مرتبه‌ای، تلاش متناسب با خود را می‌طلبد.
- اگر لیلة القدر را همان امام زمان و حجت خدا معنا کنیم، درک آن در کنار پیروی از خدا و پیامبرش میسر است. انسان مؤمن با جهاد و تلاش، می‌تواند در افق شب قدر حقیقی قرار گیرد؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق سلیمان فارسی فرمود: «السلمان منا اهل البيت»^۳. قرآن کریم هم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۴؛ «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایانیم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است».

اگر شب قدر را زمانی واقعی معنا کنیم که تعدد بردار و قابل توسعه نباشد - در این صورت درک آن، در کنار پاسداری از شب‌های رمضان میسر است؛ به طوری که با احیای شب‌های متعدد، اطمینان به درک شب قدر حاصل آید و اگر در کنار آن معانی، شب قدر زمانی اعتباری را هم قابل قبول دانستیم. در آن صورت، ما به وظیفه خود در پاسداری از شب قدر احتمالی عمل می‌کنیم، و با امید به رحمت گسترده خداوند متعال؛ انتظار می‌رود که پروردگار مهربان از سر لطف و محبت تمامی آن برکات شب قدر حقیقی و واقعی را که برای احیاگرانش که با نیت درک آن سر بندگی فرود آورده‌اند - نازل می‌فرماید؛ نصیب ما نیز بگرداند.

۱. حارالانوار، ج ۴۳، (مؤسسة الوفاء، ناشر الوفاء بیروت، الطبعة الثانية).

۲. اصول کافی، کتاب حجت، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳. بحار، ج ۱۰۸، ص ۲۸۵.

۴. عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.



رمضان یک فرصت است...

ملیکا مرشدی . فاطمه میر ابراهیمی

فرستی برای تمام کسانی که در زندگی به دنبال بلیت های طلایی برای صعود به وادی معنویت میگردند. فرصتی طلایی برای تطهیر روح از زخم های گناهان گذشته و پلی برای صعود به آینده، فرصتی که به هر کس ندهندش! ماه، ماه نزول باران قرآن است. تا بشوید غبار نشسته بر صفحه ی دل و ذوب کند تمام گناهی که روح را از تکاپو انداخته و زمین گیرش کرده!

ماهی که در آن هر نفسی میشود رایحه ای روح افزا برای افلاکیان و سبدی پر از خیر برای خاکیان...

* در این نوشتار به صحبت های مقام معظم رهبری در باب جایگاه ماه مبارک رمضان و راه های استفاده از این ماه در کلام ایشان می پردازیم.

پای این سفره بشین...

بعضی هستند که وقتی از کنار سفره رد می شوند، آن قدر حواسشان پرت است و متوجه جاهای دیگرند که اصلاً سفره را نمی بینند. هستند کسانی که اصلاً سفره ماه رمضان را نمی بینند؛ یادشان نیست که ماه رضانی آمد و رفت.

بعضی هستند که سفره را می بینند اما به خاطر همان سرگرمی ها و اشتغال ، وقت ندارند سر این سفره بنشینند؛ می خواهند به سراغ یک سرگرمی بروند؛ کار دیگری دارند ؛ دنبال دکان، دنبال کار، دنبال دنیا ، دنبال شهوات ، مجال این که سر این سفره بنشینند و از آن بهره ببرند ، ندارند.

بعضی دیگر هم هستند که نه؛ سر سفره می نشینند، سفره را می بینند، قدرش را هم می دانند، لیکن آدم های خیلی قانعی اند، به کم قناعت می کنند لقمه ای بر می دارند و می روند. نمی بینند پای سفره ، خودشان را بهره مند و سیراب کنند و از آنچه در سفره هست، خود را محفوظ کنند؛ لقمه مختصری برمی دارند و می روند .

بعضی ها هستند که احساس بی میلی می کنند؛ یعنی اشتهایشان تحریک نمی شود؛ به خاطر اینکه غذای پوچ بیهوده ای را خورده اند و پای سفره ضیافتی که رنگین و جذاب و مقوی است، اصلاً اشتها ندارند.

بعضی هم هستند که نه در حد اشتها که اشتهاشان هم زیاد است از این سفره استفاده می کنند و واقعاً سیر نمی شوند؛ چون مائده ، مائده معنوی است. تمتع به این مائده فضیلت است. چون فتوح و انفتاح و تعالی روح انسانی است.

هرچه انسان از این مائده بیشتر استفاده کند، روح انسان تعالی بیشتری پیدا می کند و به هدف خلقت نزدیک تر می شود. این، غیر از موائد جسمانی است.^۱

ماه مبارک رمضان ماه قرآن است

اولاً حلول ماه مبارک رمضان را تبریک عرض میکنیم به همه کسانی که این سخن را می شنوند و همه ی برادران مسلمان در سرتاسر جهان؛ و امیدواریم که خداوند به ما توفیق بدهد که بتوانیم حق این ماه را اداء کنیم. ماه، ماه قرآن است؛ که در آیه ی کریمه ی قرآن هم وقتی که نام ماه رمضان آورده شده، ذکر میشود «الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ»^(۱). این یک خصوصیت بسیار مهم این ماه عزیز و شریف است.^۲

ماه شست و شوی دل ها

ماه رمضان فرصت خیلی خوبی است برای شست و شوی دل و جان، برای تقویت رابطه ی با خدا؛ و به این تقویت رابطه شما احتیاج دارید؛ همه ی ما احتیاج داریم. ماه رمضان فرصت بسیار خوبی است. اُنس با قرآن، اُنس با نماز، اُنس با دعا، همین روزه ای که میگیرید، نعمتهای خدا است برای شما. مواد این مهمانی الهی، که در روایات وارد شده [به عنوان] «ضیافت الهی»، همینها است؛ یعنی روزه یکی از آن مائده های آسمانی ای است که خدای متعال در این مهمانی، در این ضیافت به شما میدهد؛ دعا یکی دیگر از این مائده ها است؛ نماز همین جور.^۳

۱. ۱۳۸۴/۰۷/۱۷، سخنرانی در دیدار اعضای هیئت دولت

۲. ۱۳۹۹/۰۲/۰۶، سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم

۳. ۱۳۹۸/۰۲/۰۱، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

ماه رواج تقوا

در آیه‌ی شریفه‌ی «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»... به معنای امید است، یعنی امید این هست که این اتفاق بیفتد. خب، امید در مورد خدای متعال معنا ندارد؛ خدا عالم به سرّ و خفیّات و همه چیز است، امید معنی ندارد؛ بنابراین مراد این است که این ماه رمضان را، این تشریح الهی را قرار دادیم تا زمینه‌ای باشد، بستری باشد برای رواج تقوا؛ خطاب هم خطاب به عموم است، یعنی بین شما مردم تقوا رواج پیدا کند. بنابراین ماه رمضان، ماه رواج تقوا است.^۱

حفظ صفا و نورانیت به دست آمده

سعی کنید ذخیره‌ی ماه رمضان را برای خودتان حفظ کنید. زیرا ذخائر معنوی هم مثل ذخائر مادی از این جهت که اگر آن را حراست کردیم و از آن نگهداری نمودیم برای ما میماند، اما اگر درباره‌ی آن تفریط و بیتوجهی و بیمراقبتی کردیم، آن را از دست خواهیم داد. اگر ان شاءالله توفیق روزه‌ی ماه رمضان و عبادت این ماه و انس با قرآن را ولو بطور نسبی پیدا کرده باشید برای شما یک معنویت و صفا و نورانیتی بوجود می‌آورد.^۲

شب قدر، شب اتصال زمین به آسمان و سلامت دل‌ها و جان‌ها

در ماه رمضان هم - در همه‌ی روزها و شبها - دل‌هایتان را هرچه می‌توانید با ذکر الهی نورانیت کنید، تا برای ورود در ساحت مقدّس لیلۃ‌القدر آماده شوید، که: «لیلة‌القدر خیر من الف شهر». تنزل الملائکة والروح. فیها یأذن ربهم من کل امر». شبی که فرشتگان، زمین را به آسمان متصل می‌کنند، دل‌ها را نورباران و محیط زندگی را با نور فضل و لطف الهی منور می‌کنند. شب سلیم و سلامت معنوی - سلامّ هی حتی مطلع الفجر - شب سلامت دل‌ها و جان‌ها، شب شفای بیماریهای اخلاقی، بیماریهای معنوی، بیماریهای مادی و بیماریهای عمومی و اجتماعی که امروز متأسفانه دامان بسیاری از ملت‌های جهان، از جمله ملت‌های مسلمان را گرفته است! سلامتی از همه‌ی اینها، در شب قدر ممکن و میسر است؛ به شرطی که با آمادگی وارد شب قدر شوید.^۳

ماه رمضان هم می‌آید و می‌رود مانند باقی آن یازده ماه اما کسی سود می‌کند که نوشیده باشد جرعه‌ای از مهمانی این ماه عزیز را؛

جرعه‌ای از لطف و محبت بی‌انتهای الهی که در این ماه بیش از همیشه نمود می‌کند.

ماه که تمام می‌شود، تازه غصه‌ها شروع می‌شود یک سال باید انتظارش را بکشی

انتظار لحظه‌های ناب آن که تو را مهمان خدا میخوانند، انتظار شب قدر که از هزار ماه با فضیلت‌تر است، انتظار سحرهایی که خلوت می‌کنی و خدا را نزدیک میابی، انتظار دعاهایی که می‌دانی استجابتش در این ماه است و انتظار و انتظار و انتظار.

راستی گفتم انتظار؛ یاد غربت آقایی افتادم که این روزها بیش از پیش نبودنش در جان هایمان داغ یتیمی را تازه می‌کند.

ای کاش خداوند با نوشتن ظهورش در تقدیر یکساله مان، منتش را در این ماه عزیز بر ما تمام گرداند.



۱. ۱۳۹۸/۰۲/۲۴، بیانات در دیدار مسئولان نظام

۲. ۱۳۷۱/۰۱/۲۶، بیانات در جلسه بیست و دوم تفسیر سوره بقره

۳. ۱۳۷۶/۰۹/۰۵، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان

نگاهی به واژه «قدر»

علی پردل

در این نوشتار قصد داریم به بررسی واژه کنایی قدر با رویکرد ماه رمضان در قرآن کریم بپردازیم.

زمانی که از بندگی سخن به میان می آید، دو واژه (رمضان) و (قدر) ذهن انسان را درگیر می نماید و یکی از آن ها روشنی بخش دل هاست، چراکه؛ خداوند متعال در این ماه رویداد های مهمی همچون نزول قرآن (انا انزلناه فی لیلہ القدر) و سه شب ماه رمضان را که شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم است و از همه مهم تر این که در صیافتی عظیم به میزبانی خداوند صورت گرفته است و فرصتی بزرگ است برای رسیدن به درجه والای بنده حقیقی خداوند متعال با این آشنایی عمومی یاد آوری چند وظیفه برای انسان بسیار ارزشمند و راهگشا است که لازم است بدانند و عمل نمایند که به عنوان نکاتی است که می توان تحت واژه (قدر) بدان اشاره نمود.

قدرشناسی: در این ایام باید توجه داشت که خداوند متعال اعطا کننده وجود مخلوقات و زمان و هر چیزی است که در پیرامون انسان می گذرد و اوست که بر انسان منت نهاده است به تمامی اقشار فقرا، ضعفا و سایرین فرصت را داده است تا به واسطه هدایت پذیر بودن و تمسک به بندگی خداوند خود را بی نیاز از تمامی مخلوقات گرداند و این کلام حضرت امیر المومنین را توشه راه قرار دهد که فرموده اند: ((فرصت ها مانند ابر می گذرد)) حال که خداوند متعال فرصتی را به انسان هدیه نموده است انسان باید با پذیرش تمام و کمال ابراز تشکر و قدر دانی نماید.^۱ و بدانند که قدر دانی خداوند پیش از قدر

دانی انسان است به واسطه گسترش رحمت و نعمت های تحت لوای هدایتش آن هم به صورت یکسان^۲ و از همه زیباتر این است که خداوند وعده زیاد نمودن روزی و نعمت را در قرآن کریم با آیه (لئن شکرتم لازیدنکم) داده است پس با وجود این فرصت دیگر بهانه و دستاویزی نخواهد بود. بنابراین می توان بیان کرد که یکی از مقاصد اصلی که از کلمه قدر استنباط می شود استفاده بهینه از فرصت بندگی خداوند است در ماه رمضان. پس شایسته است خوب بندگی شود.

احیای قلوب: در این ماه انسان خود را باید فردی ببیند که در حال مسابقه با خویشین است و اندازه نفس خویش را به حد تعادل برساند تا جایی که بتواند مصداق آیه (والسابقون السابقون اولئک المقربون)^۳ شود و در رسیدن به درگاه ایزد بنده ای پیشتاز باشد و بدانند که رقابت قبل او تمام شده است و آغاز ماه رمضان فرصتی دوباره برای درمان قلب است و مانند دروازه بانی است که گل خورده است و باید به ادامه دقایق بازی که نود دقیقه تمام بایستد پس باید قلب و ذهن خویش را احیانماید و حرکتی دوباره آغاز نماید و در مسیر حرکت به عقب بازنگردد در عمل و همان اشتباه و خطاهای گذشته را تکرار نکند تا قلب وی نقطه های سفید خویش را در حالت احیا نگاه دارد.^۴

نتیجه:

یکی از معانی قدر تشکر است و تشکر زمانی صورت می گیرد که انسان قدم به مسیر بندگی بگذارد و خداوند را نعمت دهنده بداند و با عدم تکرار خطاهای پیشین به درگاه ایزد منان نزدیک شود که مصداق همان فرصت طلبی است از فرصتی که خداوند اعطانموده.

۱. برای مطالعه و تدبر بیشتر مراجعه گردد به آیات ۱۵ فاطر، طه ۵۰، اعلی ۲، ۳.

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به سبحانی تبریزی، جعفر، عصمه الانبیا فی القرآن الکریم

۳. مراجعه شود به سوره واقعه

۴. فتح ۱۰، ۱۸، ۲۷.

رمضان؛ ماه تزکیه

امیر محمد زائنه . امیر حسین زائنه

ماه مبارک رمضان سایه خیر و برکت. ماه نزول قرآن، ماه مغفرت و آمرزش، ماه جود و کرم، ماه بخشش و نیکوکاری، ماه ایثار و از خود گذشتگی، ماه جهاد و کوشش، ماه سعی و تلاش، ماه رحمت و سازندگی و ماه ضیافت الله است.

رمضان ماه تهذیب نفس، کسر شهوت، غلبه و چیره شدن بر نفس، ماه صبر و استقامت و بالاخره ماه خودسازی و اصلاح جامعه است. این ماه دانشگاه انسان سازی است؛ بله رمضان دانشگاه علمی و عملی، آموزشی و پرورشی و تربیتی و اصلاحی است.

تلاوت قرآن، حضور به موقع در نمازهای پرفیض جماعت، مشارکت در نمازهای تراویح و قیام، شرکت در کلاس های آموزشی ویژه رمضان، حضور در مجالس معنوی روح افزای مولودخوانی، تشکیل جلسات قرآن خوانی دوره ای در مساجد و مراکز دینی و منازل، از مهم ترین برنامه های رمضان است که شخص مسلمان خود را به درگاه احدیت مقرب می سازد.

«مَنْ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ وَ مَاتَ أَبَعَدَهُ اللَّهُ فَقُلْ آمِينَ فَقُلْتُ آمِينَ

کسی که رمضان را درک نماید و سبب آمرزش گناهانش نگردد، و از دنیا بدون استفاده از ماه مبارک رمضان برود، خداوند او را از رحمتش دور گرداند؛ جبریل گفت: بگو آمین، گفتم آمین».

رمضان، ماه خدا و میهمانی خدا، ماه بهار قرآن، ماه لیلۃ القدر و پاکی و تعالی انسان و سعادت انسان است. رمضان، ماه برکت، رحمت، مغفرت، توبه، انابه، صبر و مواسات است. رمضان ماه تقوا و طهارت و رهایی از شر نفس و به خدا پیوستن و با او بودن است.

رمضان، ماه برادر پیغمبر خدا^(۱)، ماه حامل لوای حمد^(۲)، آن مقتدای عدالت و انسانیت است که نماز خون و شهادت در محراب عشق را برای اولین بار به یادگار گذاشت.

و همچنین فخر جهان حضرت محمد ﷺ می فرمایند: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ. شَهْرُهُ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَ لَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِيِ وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ.

ای مردم، همانا ماه خدا، همراه با برکت و رحمت و آمرزش، به شما روی آورده است، ماهی که در نزد خدا برترین ماه هاست، روزهایش برترین روزها، شب هایش برترین شب ها و ساعاتش برترین ساعات است. و در ادامه می فرمایند که در این ماه نفس کشیدن شما ثواب تسبیح و ذکر خدا و نیز خواب شما ثواب عبادت خواهد داشت. اعمال شما در این ماه پذیرفته و دعای شما مستجاب است.

پس با نیت های خالص و صادق و دل های پاک از خدا بخواهید که شما را در این ماه به روزه داری و تلاوت قرآن موفق گرداند.^(۳)

این ماه در روایات اسلامی ماه خدا و میهمانی امت پیامبر اکرم ﷺ خوانده شده و خداوند متعال از بندگان خود در این ماه در نهایت کرامت و مهربانی پذیرایی می کند؛ پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «ماه رجب ماه خدا و ماه شعبان ماه من و ماه رمضان، ماه امت من است»^(۴)، هر کس همه این ماه را روزه بگیرد بر خدا واجب است که همه گناهانش را ببخشد، بقیه عمرش را تضمین کند و او را از تشنگی و عطش دردناک روز قیامت امان دهد.^(۵) این ماه، در میان مسلمانان از احترام، اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار و ماه سلوک روحی آنان است و مؤمنان با مقدمه سازی و فراهم کردن زمینه های معنوی در ماه های رجب و شعبان هر سال خود را برای ورود به این ماه شریف و پربرکت آماده می کنند، و با حلول این ماه با شور و اشتیاق و دادن اطعام و افطاری به نیازمندان، شب زنده داری و عبادت، تلاوت قرآن، دعا، استغفار، دادن صدقه، روزه داری و... روح و جان خود را از سرچشمه فیض الهی سیراب می کنند. برخی از فضائل ماه رمضان:

۱. برترین ماه سال

ماه مبارک رمضان به جهت نزول قرآن کریم در آن و ویژگی های منحصری که دارد در میان ماه های سال قمری برترین است؛ قرآن کریم می فرماید: «ماه رمضان ماهی است که قرآن برای هدایت انسان ها در آن نازل شده است.»^(۶)

۲. نزول کتاب آسمانی

تمام کتب بزرگ آسمانی مانند: قرآن کریم، تورات، انجیل، زبور، صحف در این ماه نازل شده است. حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: «کل قرآن کریم در ماه رمضان به بیت المعمور نازل شد، سپس در مدت بیست سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحف ابراهیم در شب اول ماه رمضان و تورات در روز ششم ماه رمضان، انجیل در روز سیزدهم ماه رمضان و زبور در روز هیجدهم ماه رمضان نازل شد.»^(۷)

۳. روزه

در ماه رمضان خداوند متعال توفیق روزه داری را به بندگانش داده است؛ «پس هر که ماه [رمضان] را درک کرد، باید روزه بگیرد.»^(۸) انسان افزون بر جنبه مادی و جسمی، دارای بُعد معنوی و روحی هم هست و هر کدام در رسیدن به کمال مطلوب خود، برنامه های ویژه را نیاز دارند، یکی از برنامه ها برای تقویت و رشد بُعد معنوی، تقوا و پرهیزگاری است؛ یعنی اگر انسان بخواهد خودش را از جنبه معنوی رشد و پرورش دهد و به طهارت و کمال مطلوب برسد، باید هوای نفس خود را مهار کند و موانع رشد را یکی پس از دیگری بر دارد و خود را سرگرم لذت ها و شهوات جسمی نکند. یکی از اعمالی که در این راستا مؤثر و مفید است روزه داری است، قرآن کریم می فرماید: «... ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شد، همان گونه که بر پیشینیان از شما نوشته شده، تا پرهیزگار شوید.»

برخی از فوائد روزه در روایات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «روزه بگیرد تا سالم بماند.»
باز می فرماید: «معدده خانه تمام دردها و امساک [روزه] بالاترین داروهاست.»^(۹)

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند متعال فرموده: «روزه از من است و پاداش آن را من می دهم.»^(۱۰)

حضرت فاطمه علیه السلام می فرماید: «خداوند روزه را برای استواری اخلاص، واجب فرمود.»^(۱۱)

امام علی علیه السلام می فرماید: «روزه روده را باریک می کند گوشت را می ریزد و از گرمای سوزان دوزخ دور می گرداند.»^(۱۲)

وجود شب قدر در این ماه مملو از فضیلت

شب قدر از شب هایی که برتر از هزار ماه است و فرشتگان در این شب به اذن خدا فرود می آیند و جمیع مقدرات بندگان را در طول سال تعیین می کنند و وجود این شب در این ماه مبارک نعمت و موهبتی الهی بر امت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است و مقدرات یک سال انسان ها براساس لیاقت ها و زمینه هایی که خود آنها به وجود آورده اند تعیین می شود.

انسان ها باید ماه رمضان را درک کنند و اهمیت و جایگاه آن را بدانند و از این ماه و شب قدر استفاده کنند برای تذهیب نفس و و در این ماه درهای رحمت و برکت به روی ما گشوده می شود.

* منابع:

۱. کنز العمال، جلد ۱۱، صفحه ۶۲۴

۲. بحار النوار، جلد ۳۹، صفحه ۹۰

۳. مجلسی، بحار النوار جلد ۹۳، صفحه ۳۵

۴. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد ۲، صفحه ۶۲۸

۵. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد ۲، صفحه ۴۰۲

۶. سوره بقره، آیه ۱۸۵

۷. ر.ک: الکافی، همان، جلد ۲، صفحه ۶۲۸

۸. سوره بقره، آیه ۱۸۵

۹. همان

۱۰. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، ترجمه: حمیدرضا شیخی، جلد ۷، ص ۳۲۰۷، مؤسسه

دارالحدیث، قم.

۱۱. همان، ص ۳۲۰۹

۱۲. همان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قدف من رکنی



دوست داشتن و بغض و کینه دو حالتی است که در وجود تمام انسان ها انکارنا پذیر است، هرفردی نسبت به افرادی و اموری محبت دارد و در مقابل از اموری نفرت دارد و افرادی را دشمن می شمارد. این مساله در دین هم به عنوان یک مسیاله مهم مورد توجه قرار گرفته است، و موید این مساله سخنی است از امام صادق علیه السلام که می فرماید: هَلْ الدِّينُ اِلَّا الحُبُّ؟ آیا دین چیزی غیر از محبت است؟ اما اینکه ما به چه کسی عشق بورزیم و دل به محبت چه کسانی بسپاریم؟ موضوع مهمی است. شهید مطهری در کتاب جاذبه و دافعه علی «علیه السلام» آثار محبت به محبوب را این گونه مطرح می کند: بشر به اکسیر محبت نیکان و پاکان سخت نیازمند است که محبت بورزد و محبت پاکان او را با آنها هم رنگ و هم شکل قرار دهد.

و در نیروی محبت و اثر گذاری آن می نویسد: نیروی محبت و ارادت است که در تمام ارکان هستی محب اثر می گذارد و در همه حال او را هم رنگ محبوب می سازد، این است که هر انسانی باید برای اصلاح خویش دنبال اهل حقیقتی بگردد و به او عشق بورزد تا به راستی بتواند خویش را اصلاح کند.

پس چه بهتر که این محبوب که ما می خواهیم به او عشق بورزیم و در سایه سار محبت او دل و وجود خویش را نورانی کنیم از کسانی باشد که برگزیده خداوند و محبوب درگاه او باشند و محبت آنها سبب اتصال به همان منبع فیض ازلی باشد، و حضرت امیر المومنین علیه السلام می تواند نمونه بارز این محبت ورزی باشد. در زبان روایات آثار محبت به اهل بیت و علی الخصوص حضرت علی علیه السلام به وضوح بیان شده است که به دونه نمونه از آنها اشاره می شود:

نیروی محبت اهل بیت آن قدر کار ساز است که از آثار بزرگ آن فرو ریختن گناهان می باشد: امام صادق علیه السلام می فرماید: « قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ حُبَّنا أَهْلَ الْبَيْتِ لِيَحُطَّ الذَّنُوبَ عَنِ الْعِبَادِ كَمَا يَحُطُّ الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ هَمَانَا دُوسْتِ دَاشْتِنِ مَا أَهْلَ بَيْتِ گَنَاهانِ رَا از بِنْدگانِ مِ ریزد، هَمَانِ گونِه که بادِ شَدیدِ برگِ را از درختِ مِ ریزد.

دست گیری اهل بیت در موطن هراسناک از آثار دیگر محبت به ایشان است:

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُ الْهَنْ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ رَسُولُ خُدا فرمود دوست داشتن من و دوست داشتن خاندان من در هفت مقام که هراسی بس بزرگ دارند سودمند است، نزد مردن و در گور و در بر خاستن از گور و در هنگام دریافت نامه اعمال و در وقت حساب و نزد سنجیدن کارهای خوب و بد و در گذشتن از صراط.

اما محبت حضرت علی علیه السلام که به عنوان محبوب ترین فرد در نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رود، چنان پر اهمیت و کار ساز است که در بسیاری از منابع اهل سنت و شیعه به صورت اختصاصی به آن پرداخته شده است و روایات های فراوانی در این رابطه و آثار عجیب عشق ورزیدن به حضرتش ذکر شده است. در این رابطه انس ابن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله این چنین روایت می کند:

انس بن مالک یقول: و الله الذي لا إله إلا هو لسمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: عنوان صحيفه المؤمن حبّ علي بن أبي طالب.

سرنامه صحیفه مؤمن محبت و دوستی علی بن ابی طالب است.

و در جایی دیگر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اجتماع بر محبت ایشان سبب خاموشی آتش جهنم می داند و می فرماید:

وَمِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ

در کتاب مناقب از ابن عباس آمده که گفت: پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر همه مردم در دوستی علی ﷺ اتفاق داشتند، خداوند بزرگ آتش را نمی آفرید!

البته این نکته را نباید فراموش کرد که تعداد این روایت ها و آثار محبت به حضرت امیر المومنین آن چنان زیاد است که این مجال نمی تواند در برگیرنده همه آنها باشد و فقط به تعدادی اندک از آن روایت ها اشاره می شود. امید است که مس وجود ما با محبت ایشان زر شود.

۱. حب امیر المومنین از بین برنده گناهان:

از پیامبر اکرم ﷺ قال: «حب علیّ یا کل الذنب کما تأکل النار الحطب، دوستی علی ﷺ گناه را می بلعد و محو می کند، آنچنان که آتش هیضم را می سوزاند و محو می کند.

۲. معیار ایمان و نفاق

کان رسول الله ﷺ و سلم یقول: لا یحب علیا منافق و لا یبغضه مؤمن رسول خدا ﷺ فرمود: منافق، علی ﷺ را دوست نمی دارد و مؤمن هم، کینه او را به دل راه نمی دهد.

۳. ثبوت ایمان

«فی أمالی الطوسی: (الجزء الخامس) عن حنان بن سدير، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر ﷺ قال: ما ثبت الله تعالى حبَّ عليّ في قلب أحد فزلت له قدم إلا ثبتت له قدم أخرى.

در امالی طوسی: (جزء پنجم) از حنان بن سدير از حضرت باقر ﷺ روایت شده که فرمود: خدای تعالی محبت و دوستی علی ﷺ را در قلب هیچ کس ثابت و برقرار نفرموده که چون يك قدم و پایش بلغزد مگر آنکه پای دیگرش ثابت و برقرار بماند.

*منابع

۱. ابن مغزلی شافعی، مناقب الامام علی ابن ابی طالب، چاپ سوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۲۴ق
۲. آشتیانی احمد، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، چاپ سوم، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۲ش
۳. دیلمی حسن، ارشاد القلوب، چاپ اول، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق
۵. شیخ صدوق، الخصال، چاپ اول، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش
۶. -----، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ اول، قم، دار رضی، ۱۴۰۶ق
۷. فیروز آبادی سید مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۲ق
۸. مطهری مرتضی، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، چاپ چهل و هفتم، قم، صدرا، ۱۳۸۳ش

تصفید شیاطین*

محمد استیری

* به بند کشیده شدن شیطان‌ها در ماه رمضان

در مقوله تصفید شیاطین در ماه مبارک رمضان احادیثی از جانب ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که ذیلاً یک نمونه از آن احادیث را می‌آوریم و به تحلیل محتوا و مضمون این احادیث می‌پردازیم.

الإمام الصادق علیه‌السلام: إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تَفْتَحُ فِي رَمَضَانَ، وَ تُصَفَّدُ الشَّيَاطِينُ، وَ تُقَبَّلُ أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ، نَعْمَ الشَّهْرُ رَمَضَانَ، كَانَ يُسَمَّى عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم: الْمَرْزُوقِ.

امام صادق علیه السلام: در [ماه] رمضان، درهای آسمان گشوده می‌شوند، شیاطین به بند کشیده می‌شوند و اعمال مؤمنان پذیرفته می‌شود. رمضان، خوب ماهی است! در روزگار پیامبر خدا به ماه رمضان، «مرزوق (روزی یافته)» می‌گفتند.

در این زمینه پرسش‌هایی پدید می‌آید، از قبیل این که: شیطان کیست؟ در نظام حکیمانه خلقت، چرا به شیطان اجازه داده شده که انسان را گمراه سازد؟ مرز تسلط شیطان بر انسان تا کجاست؟ چرا خداوند، در ماه رمضان، شیاطین را به بند می‌کشد و از تأثیر گمراه‌گرانه آنان جلوگیری می‌کند؛ ولی در ماه‌های دیگر، آنان را آزاد می‌گذارد؟ و سرانجام، اگر این گونه روایات درست‌اند، چگونه شماری از روزه‌داران، در این ماه، مرتکب گناه می‌شوند؟ پاسخ تفصیلی و کافی به این پرسش‌ها، مجال دیگری می‌طلبد؛ اما آنچه به طور اجمال می‌توان گفت، این است که: در دیدگاه اسلامی، شیاطین، موجوداتی نامرئی از جنس جن‌اند که از شعور، آگاهی، آزادی و قدرت انتخاب برخوردارند؛ لیکن با سوء استفاده از آزادی خود، با زیبا جلوه دادن زشتی‌ها و تحریک هوس‌های نامشروع انسان، به گمراه ساختن و فریب دادن او می‌پردازند. اما در ورای این نقش اغواگرانه‌ای که شیاطین در نظام آفرینش بازی می‌کنند، حکمت، شکوفایی استعداد‌های پنهانی انسان، تربیت در حد انسان کامل، و آماده ساختن او در سایه مقاومت در برابر این لغزشگاه‌ها و فریب‌ها، نهفته است. این، در حالی است که مرز سلطه شیاطین بر انسان، از حد تحریک و وسوسه فراتر نمی‌رود. از این رو، آنان انسان را به زشتی‌ها دعوت می‌کنند؛ لیکن نمی‌توانند او را به ارتکاب زشتی‌ها وا دارند.

با این توضیح، آنچه در این مورد باید بررسی شود، دو مسئله است:

نخست. به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان.

دوم. بررسی عوامل پنهان در ورای انجام دادن گناهان در این ماه، با آن که شیاطین در بندند و نقش گمراه‌گرانه ندارند.

علت به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان

تحلیل و بررسی روایات دینی در موضوع به بند کشیده شدن شیاطین و جلوگیری از آنها در ماه رمضان، دو علت را نشان می‌دهد، با این توضیح که علت دوم در طول علت اول است:

۱. طبیعت پیشگیرانه روزه

روزه به طور طبیعی، زمینه‌ای را که شیطان بر اساس آن، انسان را به گمراهی می‌کشانند، از بین می‌برد. به تعبیر دقیق‌تر، زنجیری که در ماه رمضان، شیطان را به بند می‌کشد، چیزی جز خودِ روزه نیست. از این رو، در حدیث پیامبر خدا آمده است:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنْ بَيْنِ أَدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ»^۱

شیطان در انسان جاری می‌شود، همچون جریان خون، پس با گرسنگی، مجاری او را تنگ کنید.

این حدیث، به روشنی بر این نکته دلالت دارد که روزه به طور طبیعی، مانع تسلط شیطان بر انسان می‌شود. زنجیری که روزه دارد، نه تنها شیطان را به بند می‌کشد، بلکه کشش‌های نفس‌آماره را هم مهار می‌کند، آن را به اسارت در می‌آورد و جلوی سلطه آن را بر انسان می‌گیرد، و به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام:

«نَعْمَ الْعَوْنُ عَلَى أَسْرِ النَّفْسِ وَ كَسْرِ عَادَتِهَا التَّجَوُّعُ»^۲

گرسنگی، چه خوب یآوری برای اسیر کردن نفس و شکستن عادت آن است!

۱. الکافی: ۲/۱۵۷/۴، تهذیب الاحکام: ۳/۵۹/۲۰۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ۲/۱۶۰/۲۰۲۹، ثواب الاعمال: ۹/۹۲، کلبا عن علی بن ابی حمزه، بحارالانوار: ۹۶/۳۷۲/۵۷

۲. احیاء علوم الدین: ۱/۳۴۷؛ المحججه البيضاء: ۵/۱۴۸؛ عوالی اللئالی: ۱/۲۷۳/۹۷ و ص ۳۲۵/۶۶؛ بحارالانوار: ۷۰/۴۲

۳. عیون الحکم والمواعظ: ۴۹۴، غررالحکم: ۹۹۴۴

بر این اساس، همه روایاتی که در ستایش گرسنگی و نقش آن در خودسازی و تربیت نفس، وارد شده‌اند، هدف آنها ایجاد مانع طبیعی در برابر سلطه شیطان بر انسان و نگهداری انسان از کشش‌ها و اغواگری‌های نفس و نیز آزادسازی نیروهای عقلی و شکوفاسازی استعدادهای انسانی است، آن گونه که از این دو روایت که از مجموعه احادیث این گونه برگزیده‌ایم روشن می‌شود. پیامبر خدا ﷺ فرمود:

جاهدوا أنفسكم بالجوع و العطش، فإن الأجر في ذلك كأجر المجاهد في سبيل الله؛^۱
به وسیله گرسنگی و تشنگی، با نفس خویش جهاد کنید؛ چرا که پاداش آن، مثل پاداش جهادکننده در راه خداست.
نیز فرمود: أحيوا قلوبكم بقلّة الضحك و قلة الشبع، و طهروها بالجوع تصفو [تصف] و ترق؛^۲
دل‌های خود را با کم خندیدن و کم خوردن، زنده کنید و آن را با گرسنگی، پاک سازید تا صاف و رقیق شود.

۲. عنایت ویژه خداوند

افزون بر پشتوانه‌ای که روزه به طور طبیعی برای روزه‌داران جهت جلوگیری از سلطه شیطان و اغواگری‌های او پدید می‌آورد، این برنامه عبادی، خود به خود، زمینه‌ساز شمول عنایت‌های خدا بر آنان می‌گردد. آنچه در روایات با عنوان به بند کشیدن شیاطین در این ماه آمده است، به همین نکته اشاره دارد. به عبارت دیگر، عنایت الهی گزاف نیست تا سؤال شود: چرا خدای سبحان، مانع سلطه شیطان نمی‌شود و در بقیه ماه‌ها بین انسان و سلطه او فاصله نمی‌اندازد؟ هرگز؛ بلکه ریشه این توفیق و عنایت الهی، در انتخاب خود انسان و ورود او به میهمان‌سرای رمضان، نهفته است.

* علت سود نبردن از به بند کشیده شدن شیاطین

در چارچوب تحلیلی که گذشت که می‌رساند در این ماه، شیاطین نسبت به انسان و دست کم نسبت به روزه‌داران، سلطه ندارند سؤال اساسی مطرح می‌شود؛ چرا که می‌بینیم گاهی روزه‌داران هم در این ماه دچار غفلت و گناه می‌شوند. تشریح کفاره‌هایی که برای درمان این حالت‌هاست نیز گواه آن است. سید ابن طاووس رحمه الله در تصویر این نکته می‌گوید: یکی از دینداران از من پرسید: «من از به بند کشیده شدن شیاطین بهره‌چندانی نمی‌برم؛ چون همان حالت غفلت را که پیش از ماه رمضان داشتیم، دارم و گویا فرقی نکرده است و با زنجیر شدن یاران شیطان، از آن کاسته نشده است...». دو پاسخ به این پرسش می‌توان داد:

۱. شیطان، به تنهایی زمینه‌ساز گناهان نیست.

این پاسخ، بر این نکته استوار است که خطاها و گناهانی که از انسان سر می‌زند، تنها به شیطان و اغواگری او مربوط نمی‌شود؛ بلکه دو منشأ اساسی دیگر هم دارد: نفس امّاره، و زنگارهای مترامی که پیامد گناهان پیشین‌اند و دل را آلوده و سیاه ساخته‌اند. در واقع، عنایت الهی‌ای که در ماه رمضان شامل انسان می‌شود، تنها تأثیر عامل نخستین را که مربوط به شیطان است، از بین می‌برد؛ اما دو عامل دیگر همچنان نقش ایفا می‌کنند و جهت زمینه‌سازی برای انحراف انسان و سر زدن گناهان از او و غافل ماندن وی، کافی‌اند. بر فرض که روزه بتواند همه کشش‌های نفس امّاره را بیوشاند و تأثیر آن را در کشاندن انسان به طرف خطاها و گناهان از بین ببرد، زنگارهای مترامی از گناهان گذشته، کافی‌اند که برای روزه‌دار، خطرآفرین باشند و او را در معرض غفلت و گناه قرار دهند.

۲. در بند بودن شیطان‌ها، نسبی است.

از تحلیل گذشته روشن شد که زنجیری که شیطان را به بند می‌کشد، از خود روزه ماه رمضان فراهم می‌شود و نه از چیز دیگری. بنا بر این، هر چه روزه مستحکم‌تر و کامل‌تر باشد، زنجیری که شیطان را به بند می‌کشد و جلوی نفس امّاره را می‌گیرد، محکم‌تر خواهد بود و از میزان غفلت و انحراف‌های ناشی از آن، خواهد کاست. بر این پایه، می‌توان گفت: روزه آنان که در ماه رمضان، گناهانی مرتکب می‌شوند، روزه کاملی نیست.



۱. احیاء علوم الدین: ۳/۱۲۴؛ المحجّه البیضاء: ۵/۱۴۶

۲. احیاء علوم الدین: ۳/۱۲۹؛ المحجّه البیضاء: ۵/۱۵۴

تو بمان!

فاطمه امه طلب

اخيراً کتابی خوانده‌ام، به نام «عملی کردن دانسته‌ها» از کن بلانچارد، پاول چ. میر، دیک روت، با ترجمه بهادرزاده. پیشنهاد می‌کنم شما هم این کتاب را بخوانید. بررسی می‌کند که چرا ما کم عمل می‌کنیم در حالی که خیلی می‌دانیم؟ سه ریشه مهم را مطرح می‌کند. اول، انباشتگی اطلاعات. دوم، فیلترهای منفی و سوم، عدم پیگیری. این مطالب را اینجا، به عنوان مقدمه اول رها می‌کنم و دوباره به آن بازمی‌گردم.

ماه رمضان است. حال و هوای این روزها، کمتر در روزهای دیگر سال تکرار می‌شود. شب‌های قدر که می‌شود، اگر دعای جوشن کبیر را بخوانیم، با خود می‌گوییم چه خوب است حواسم همیشه به فلان صفت خداوند باشد، چه خوب است همیشه با خدا رفیق باشم. یا رفیق من لا رفیق له... و این احساس رفاقت، حال دلمان را خوب می‌کند. ماه رمضان تمام می‌شود و چند روز بعد، دوباره انگار نه انگار! چرا اینطور است؟ این هم مقدمه دوم.

به عنوان نتیجه‌گیری، نمی‌خواهم بگویم تمام ریشه‌ها، همان است که آن کتاب گفته، که اگر در یک کتاب و در یک نویسنده متوقف شویم، رشد نخواهیم کرد، اما می‌خواهم این دو را با هم پیوند بزنم.

مورد اول، انباشتگی اطلاعات! بسته به علاقه‌ای که داریم، در کانال‌های مختلف عضو هستیم یا اگر فرهیخته‌تر باشیم، کتاب‌های مختلف می‌خوانیم، درباره دین، درباره اخلاقی خوب و... بعد در حالی که به عنوان یک انسان، به طور طبیعی در حیطه‌های مختلف نیاز به رشد داریم، سردرگم می‌مانیم. خب، من اول نماز را درست کنم؟ اول اخلاق را درست کنم؟ نظم را درست کنم؟ رفتارم با پدر و مادرم را درست کنم؟ رفتارهای اجتماعی را؟ حسد را؟ غرور را؟ و آنقدر سردرگم می‌مانیم که آخر هم هیچ کار نمی‌کنیم!

لحظه‌ای دست ننگه داریم. کمی فکر کنیم و حیطه مورد نظر را پیدا کنیم. خب، مثلاً در دین تأکید ویژه‌ای روی نماز شده است. باشد. آرام آرام... پس حالا هدف من درست کردن نماز است. شاید این درست کردن، خواندن نمازهای قضا شده باشد. شاید افزایش حضور قلب باشد. شاید سر وقت بودن باشد. فعلاً روی همین مسأله تمرکز کنم، خودم را گیج نکنم، تا برسم به صفت بعدی. البته این مدل پیش رفتن، آدم را تک بعدی هم نمی‌کند. چون اصلاً با این تمرکز، مسیر تغییر آنقدر سرعت پیدا می‌کند، که دائماً در حال رشد و ترقی خواهیم بود، از صفتی به صفت دیگر...

مورد دوم، فیلترهای منفی. فکر می‌کنیم چرا ناامیدی از رحمت خداوند، جزو گناهان کبیره است و شهید دستغیب در کتاب گناهان کبیره خود، همان اوایل، از این گناه نام می‌برد؟ آیا این همه تأکید، به خاطر یک حالت صرفاً عارفانه و عاشقانه است؟ بعید می‌دانم. من حس می‌کنم گناهان، به تناسب تأثیری که دارند، بزرگ می‌شوند. ناامیدی تأثیر بسیار بدی دارد، چون اگر اجازه ورود آن را به قلب بدهی، یک شب قدر خواهد رسید که با خودت می‌گویی من را که نمی‌بخشند، خوش به حال شما ها... و کم کم در مرداب گناه و ناامیدی فرومی‌روی. خب، ما خیلی وقت‌ها در این حد ناامید نیستیم. اما یک ناامیدی‌های پنهانی داریم. مثلاً نمی‌گوییم من را که نمی‌بخشی، ولی با خودمان می‌گوییم حالا فوقتش ببخش و نزن. دیگر تو را آدم حسابی، از آن‌ها که هیچ کدام از گناهانی که تو کرده‌ای را نکرده‌اند که نمی‌کند! این ناامیدی و منفی‌نگری پنهان، باعث می‌شود به کم راضی شویم. در صورتی که اگر این ناامیدی را نداشته باشیم، به خدا می‌گوییم هم مرا ببخش، هم کمک کن یکی یکی آنقدر صفت‌های بدم را از بین ببرم و صفت‌های خوب را به وجود بیاورم، که یکی از اولیاء تو شوم. پس کاش کمی بزرگ‌تر از خدا بخواهیم، خدا دوست دارد همزمان که مؤدب در درگاهش می‌ایستی، کم هم از او نخواهی. می‌دانی چرا؟ چون زیادخواستن، نشان از یک شناخت و معرفت نسبت به خدا دارد، یعنی تو می‌دانی که خدا زیاد می‌تواند، زیاد مهربان است، زیاد می‌بخشد. دلیل سوم، عدم پیگیری است. خب چرا باید جوشن کبیر را سالی سه بار بخوانیم؟ آیا وقت‌های دیگر سال از مفاتیح ما حذف می‌شود؟! چرا یک الارم برای تلفن همراه خود کوک نمی‌کنیم که یادآوری کند روزی یک بند از جوشن کبیر را بخوانیم؟ یک بندش شاید یک دقیقه طول بکشد، نکند روزی یک دقیقه هم وقت نداریم؟ این کار، شاید به نظر ما ناچیز و کوچک بیاید، اما نه، اثرات شگرفی دارد. امتحان آن که ضرری ندارد...

خلاصه این که شاید بتوانیم با طرح یک برنامه جدید، با ایجاد یک نگرش جدید، کمی بیشتر ماه رمضان را در ماه‌های دیگر ببینیم. کمی طولانی‌تر با خدا رفیق بمانیم. تمام ماه رمضان‌هایی که بر ما گذشتند، رفتند و تغییری در خود حس نکردیم، ای کاش به این ماه رمضان بگوییم:

تو بمان!

حقیقت لیلہ القدر

سمیه پریشان



در روایات سفارش به مداومت بر قرائت سوره قدر در شب مبارک قدر شده است. چه سَرّی در این سوره مبارک نهفته است؟ چه ارتباطی بین این سوره و این شب با فضیلت وجود دارد؟ منظور از قدر چیست؟ در این فرصت کوتاه سعی می‌کنیم نگاهی گذرا به چند آیه از این سوره مبارک و روایات مرتبط با آن داشته باشیم. در آیه اول بیان می‌شود که ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، این سوال پیش می‌آید که اگر قرآن مطروف است نیاز به یک ظرفی دارد که به آن نازل شود، حالا آن ظرف چیست؟

در همین آیه عبارت «لیلة القدر» را داریم، در روایتی که از امام صادق ع صادر شده است، داریم: «انا انزلناه فی لیلة القدر، اللیلة هی فاطمه و القدر الله فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرک لیلة القدر و انما سمیت فاطمه لان الخلق فطموا عن معرفتها» پس طبق این روایت منظور از «لیلة»، حضرت فاطمه ع و منظور از «قدر»، خداوند متعال است. در نتیجه آن ظرفی که قرآن بدان نازل شده حضرت فاطمه ع می‌باشد.

بد نیست به یک سوال نیز پاسخ دهیم. در حدیثی پیغمبر ص میفرماید: «فاطمه روح بین دو پهلوی من است» در جای دیگری فرمودند: «فاطمه، قلب من است»، در نتیجه اگر در بعضی روایات گفته شده که قرآن بر وجود مطهر حضرت فاطمه ع نازل شده است، پس چرا در آیه ۱۹۴ سوره مبارک شعراء بیان شده که (ای پیامبر، قرآن) بر قلب تو نازل شده است؟! در پاسخ باید گفت که بین این روایات و این آیه شریفه، منافاتی وجود ندارد بلکه هر دو اشاره به وجود مطهر حضرت فاطمه ع دارد چرا که طبق این روایت از رسول اکرم فاطمه به منزله روح و قلب پیغمبر است و قرآن نیز بر قلب رسول الله نازل شده است. در ادامه همین روایت داریم که این بانوی بزرگوار فاطمه ع نامیده شد چون خلق از معرفت او عاجزند، یعنی کسی نمی‌تواند او را بشناسد و عظمت شخصیت او را درک کند. دقیقاً به همان شکل که کسی نمی‌تواند تشخیص دهد از بین این سه شب، کدامیک شب قدر است، همچنین عظمت این شب مبارک نیز بر همگان بجز خداوند و اهل بیت، پوشیده است. نکته دیگر این است که بیان شد منظور از لیلة فاطمه است، لذا می‌توان گفت همانطور که شب ناشناخته است و برای دیدن پیرامون خویش باید از نور استفاده کرد، برای درک قطره ای از اقیانوس بیکران وجود حضرت فاطمه ع نیز باید به قرآن رجوع کرد. در آیه بعد، بیان می‌شود: «و تو چه میدانی لیلة القدر چیست»، در اینجا خداوند متعال باز بر غیر قابل درک بودن عظمت وجودی حضرت تاکید میکند.

در آیه بعد داریم: «لیلة القدر بهتر از هزار ماه است» در ادامه روایتی که پیشتر از امام صادق ع نقل شد، حضرت می‌فرمایند: «لیلة القدر خیر من الف شهر یعنی خیر من الف مؤمن و هی ام المؤمنین» لذا ما نیز باید به این جمله ملائکه، که عرض کردند: «سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا»

اعتراف کنیم و از شناخت دخت پیغمبر ص به درگاه خداوند باری تعالی اظهار عجز کنیم.

در جای دیگری از مصحف شریف داریم:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا»، و در جای دیگری «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا»، اول اینکه ضمیر متصل هاء در انزلناه و جعلناه، حاوی اجمال است؛ سخنی کوتاه که برای چیزی نامعلوم به کار می‌رود، یعنی شما چیزی نمی‌دانید و فقط خداوند آگاهی دارد. دوماً منظور از «عربی» حقیقتی غیر قابل دسترس می‌باشد که به صورت خواندنی عربی درآمده است. بین این دو نکته و این وجود مقدس می‌توان ارتباط برقرار کرد؛ بدین گونه که ایشان نیز شخصیتی ناشناخته دارند، همچنین حقیقتی غیر قابل دسترس است که خداوند او را به جهانیان امانت داده است تا بشر از ابتدا تا انتهای دنیا را از نور وجود ایشان بهره مند گردد.

هرچند که او را آن طور که حق معرفتش بود نشناختیم و شکر این نعمت را به جا نیاوردیم، اما هر چه که داریم و به هر چه که رسیدیم، به برکت وجود این بانو و با دعای خیر ایشان است.

سال هاست که شب های قدرمان را با اشک یا حسرتی استخوان سوز به سحر می بریم. اولینش با ضربت، دومی عروج و سومی با سوگ بزرگ ترین امیر جهان نشان دار شده. امیری بی نظیر، فخر و اعجاب عالم... و دریغ و آهش... هر دو!! کیست چون او عاشقانی پاکباخته و کینه-جویانی برساخته را گرد هم آورده باشد؟ چون او بی را چه کشت؟

چه ساده لوحانه سال ها نام عربی را برده ایم که او را کشت... چون او بی را نمی توانست شمشیری یا شمشیرداری گشته باشد.

از خود پرسیده ای **علی را چه کشت؟**

فاتح خیبر را که بدر و احد و خندق و جمل ها دیده بود چه کشت؟ من او را گشته ی تحریف می دانم. تحریفی که از سقیفه سر برآورد؛ سقیفه بود که علی را از تارک «من اولی بکم من انفسکم...» به زیر کشید و بر حنیض صحابی جوان رضی الله عنه پیامبر (ص) نشانند... چرا که پیامبر (ص) را صحابی کبار بسیار است!! شاخه-های همین تحریف بود که در صفین بر گلوی حقیقت پیچید آن گاه که فرمود: این مذاکره فریب است... حرام است.. خسارت است.. وقتی نشنیدند و با بوق های دجال صفت، جماعت را به طلب همان فریب و خسارت شوراندند... فرمود: مالک مرد این مصاف است.

باز همین تحریف چنان ریشه دوانده بود و چنان شاخ گسترانده بود که یک صدا شدند بر سخن دشمن: «مالک مرد مذاکره نیست»

چه بسا گفته باشند: او مذاکره بلد نیست؛ تنها در اندیشه ی ستاندن است حال آنکه در مذاکره، دادی است و ستدی... باید که مرد اعتدال به این میدان وارد شود. مردی که منتخب جماعت مفتون است. ابوموسی گفتگو می-داند میانه رو و بی تعصب است

دریغا که ابوموسی تنها داد... و چیزی نستاند...

جز آتشی افروخته برای ناامنی شهر... و تیغی آبدیده از تحریف، برای خون علی...

چه ظریف تکرار می شود تاریخ...

جماعت مفتون...

ولی امر تنها...

«لا رأی لمن لا یطاع» آنکس را که فرمان نبرند، رأی و نظری نیست.

گرچه آنروز پوستین اسلام و مهر کاتب وحی تطهیر کننده ی خصم بود... امروز چه؟؟؟

